

خانم سنگ صبور

ناتانیل وست

ترجمه‌ی خاطره کرد کریمی

MISS LONELYHEARTS

by Nathanael West (1903-1940)

This translation © Borj Books, 2022

Borj Books is a division of Houpaa Publication.

.....
با توجه به آنکه این رمان در گذشت نویسنده‌ی این اثر،
ناتانیل وست، بیش از ۵۰ سال گذشته و این اثر در حوزه‌ی
مالکیت عمومی درآمده است، ترجمه‌ی آن برای همگان
آزاد است. بر این اساس، نشر برج در چارچوب قوانین
بین‌المللی حق انحصاری نشر (Copyright) این کتاب را
ترجمه و منتشر کرده‌است.

سرشناسه: وست، ناتانیل، ۱۹۰۲-۱۹۴۰ م.

West, Nathanael

عنوان و نام پدیدآور: خانم سنگ صبور / ناتانیل وست؛

ترجمه‌ی خاطره کردکریمی.

مشخصات نشر: تهران: انتشارات برج، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۱۴۴ ص.

شابک: ۷-۷۷-۷۲۸۰-۶۲۲-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: عنوان اصلی: Miss Lonelyhearts.

موضوع: داستان‌های آمریکایی -- قرن ۲۰ م.

موضوع: American fiction -- 20th century

شناسه افزوده: کردکریمی، خاطره، ۱۳۶۹، مترجم

رده‌بندی کنگره: PS۳۵۷۱

رده‌بندی دیویی: ۸۱۳/۵۲

شماره کتابشناسی ملی: ۸۴۳۲۷۹۸

خانم سنگ صبور

نویسنده: ناتانیل وست

مترجم: خاطره کردکریمی

ویراستار: علی حسن‌آبادی

مدیر هنری: فرشاد رستمی

طراح جلد: بابک قادری

صفحه‌آرا: نسیم نوریان

چاپ اول: ۱۴۰۱

تیراژ: ۱۵۰۰ نسخه

قیمت: ۴۲۰۰۰ تومان

شابک: ۷-۷۷-۷۲۸۰-۶۲۲-۹۷۸

نشر
BORJ

آدرس: تهران، میدان فاطمی، خیابان بیستون،

کوچه‌ی دوم الف، پلاک ۹، طبقه‌ی اول.

صندوق پستی: ۱۴۳۱۶۵۳۷۶۵ تلفن: ۸۸۹۹۸۶۲۲

حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای نشر برج محفوظ است.

• نشر برج شاخه‌ی بزرگسال نشر هوا است.

تفاده از متن این کتاب، فقط برای نقد و معرفی و در قالب

بخش‌هایی از آن، مجاز است.

پیشگفتار مترجم

ناتانیل وست با نام اصلی نیتان واینشتاین^۱، ۱۷ اکتبر ۱۹۰۳ در خانواده‌ی یهودی روس مهاجری در نیویورک متولد شد. پسر لاغر بدقواره‌ی دستپاچه‌ای بود که هیچ استعداد ویژه‌ای در مدرسه از خود نشان نمی‌داد و سوای علاقه‌ی فراوانش به بیسبال، بیشتر وقتش را به رمان خواندن می‌گذراند. هرچند اولین تلاشش برای کسب تحصیلات عالیه در دانشگاه تافتس به شکست انجامید، اما کمی بعد با جازدن کارنامه‌ی یکی از اقوام هم‌نامش به نام خود وارد دانشگاه براون و با موفقیت فارغ‌التحصیل شد. ناتانیل بعد از تمام کردن درس و دانشگاه، پدرش را متقاعد کرد او را به پاریس بفرستد و دو سال سرخوشی را آنجا گذراند. پس از بازگشت به نیویورک، مدت کوتاهی نزد پدرش پیمانکاری کرد، بعد چند سالی به‌ترتیب در هتل کنمور و هتل ساتن معاون مدیر شد.

اولین رمان وست، زندگی رؤیایی بالسو اسنل^۲، که پیشتر در دانشگاه

نوشته بود و بعدتر در هتل ساتن بازنویسی و به هزینه‌ی خود منتشر کرد، شکست مطلق بود؛ فقط یک نقد درباره‌اش در نشریه‌ی کوچک ادبی «کانتمپو» منتشر و بعد به‌کل فراموش شد، هرچند تغییر نام او به «ناتانیل وست» برای اولین بار با انتشار این کتاب رسمیت یافت.

وست در ۱۹۳۱ دست به کار نوشتن «خانم سنگ‌صبور» شد. پنج شش باری بازنویسی‌اش کرد تا سرانجام در ۱۹۳۳ راضی شد به انتشارات هورس لایورایت بسپاردش. کتاب تازه‌ی وست با استقبال منتقدان مواجه شد، اما ورشکستگی نابه‌هنگام ناشر، در نتیجه توقف چاپ، و زمانی که صرف یافتن ناشر تازه شد، تب‌وتاب اولیه را خواباند. وست در تلاش برای سوارشدن بر موج استقبال منتقدان از خانم سنگ‌صبور، رمان بعدی‌اش، یک میلیون جرینگی یا اوراق‌کردن لمیوئل پیتکین^۱، را هول‌هول نوشت که نه شوقی در منتقدان برانگیخت نه منفعتی مالی برایش در پی داشت. چند ماهی از همان سال را هم در هالیوود گذراند، چون کمپانی فاکس قرن بیستم برای ساخت اقتباسی سینمایی از خانم سنگ‌صبور با او قرارداد فیلم‌نامه‌نویسی بسته بود. هرچند کار کمی به وست سپردند و حاصل این همکاری تریلر جنایی آبکی‌ای شد که او را به‌کل از سینما ناامید کرد، در ۱۹۳۵ که همه‌ی درهای دیگر به‌نظر به رویش بسته شد، دوباره در مقام فیلم‌نامه‌نویس به هالیوود برگشت. در

۱. A Cool Million: The Dismantling of Lemuel Pitkin که نشر روزنه ترجمه‌ی آن را منتشر کرده‌است.

۱۹۳۹ رمان بعدی‌اش، روز ملخ^۱، را به این امید دوباره که از کسالت هالیوود بگریزد، منتشر کرد، اما جز چند نقد مثبت چیزی عایدش نشد. تا ۱۹۴۰ سوای روزانه چند ساعت کار بی‌حواس و بی‌علاقه روی فیلمنامه‌ها، باقی زمانش را به شکار می‌گذراند، اما آشنایی و ازدواجش با آیلین مک‌کنی^۲ به یکباره او را از انزوا و افسردگی رها کرد. وست پس از بازگشت از ماه‌عسل سه‌ماهه‌شان، کار پردرآمدتری در کمپانی فیلمسازی کلمبیا پیکچرز پیدا کرد و کمی بعد برای ساخت اقتباس سینمایی یک میلیون جرینگی با همین کمپانی قرارداد فیلمنامه‌نویسی نوشت، اما دوره‌ی خوش زندگی او طولی نکشید. زمستان همان سال حین بازگشت از سفری تفریحی به مکزیک به‌همراه همسرش در تصادف رانندگی جان سپرد.

شهرت ناتانیل وست از بعد مرگش به‌نگاه اوج گرفت. اقتباس سینمایی درخورتری با بازی موتگومری کلیفت از خانم سنگ‌صبور ساخته شد، آلن اشنایدر نمایشش را روی صحنه برد و لئول لیبرمن اپرایی دو پرده‌ای از رویش نوشت. در ۱۹۴۶، مارسل سیبون ترجمه‌ی فرانسوی خانم سنگ‌صبور^۳ را با مقدمه‌ای از فیلیپ سوپو منتشر کرد که تأثیر محسوسش به‌اذعان منتقدان بر روند داستان‌نویسی فرانسه مشهود است. در ۱۹۴۹، همه‌ی رمان‌های وست جز اولی

۱. The day of the Locust که نشر نو و نشر ماهی هر دو ترجمه‌ای از آن منتشر کرده‌اند.

2. Eileen McKenney

۳. با عنوان Mademoiselle Coeur-brisé.

در انگلستان منتشر شد، و چاپ هر چهار رمان او در ۱۹۵۷ در یک مجلد، منتقدان آمریکایی را به این توافق جمعی رساند که ناتانیل وست از مهم‌ترین نویسندگان دهه‌ی ۱۹۳۰ ایالات متحده بوده‌است. درون‌مایه‌ی اصلی خانم سنگ‌صبور درد و رنج بشری است اما بروز و ظهورش کم‌وبیش همه‌جا و صف‌رنج‌هایی است که زنان در زندگی‌شان متحمل می‌شوند؛ رنج‌هایی که هرچند همیشه حی و حاضرند، در نظر راوی قصه نه توجیهی می‌یابند نه توضیحی. استنلی ادگار هایمن، منتقد فقید آمریکایی، معتقد بود خانم سنگ‌صبور در کنار گتسبی بزرگ، فیتز جerald و آفتاب باز هم می‌دمد همینگوی که همگی قهرمان‌هایی سرگشته و آزاردیده دارند و از طعم تلخ پوچی تمدن بشری و حال و هوای نافذ و غم‌افزای ناکامی‌هایش می‌گویند، سه رمان برتر قرن بیستم‌اند.

و دو نکته درباره‌ی ترجمه‌ی این اثر. اول اینکه، «لونلی هارت» در لغت به معنای آدم تنهای در جست‌وجوی همدم و صاحب است. در دهه‌های سی و چهل میلادی ستون‌ها و آگهی‌هایی با عنوان «لونلی هارتس» در روزنامه‌های انگلیسی‌زبان پرتیراوار شدند که آدم‌های تنهای این‌چنینی را به یار و نگاری می‌رساندند. مرد قهرمان قصه‌ی وست که در ستونش به نامه‌های خوانندگان دردمند و مصیبت‌زده‌اش پاسخ می‌دهد، نام مستعار «میس لونلی هارتس» را کنایه‌وار برای خودش برگزیده، هرچند نسخه‌ی او برای نامه‌دهندگان

گیرافتاده در باتلاق بلایای زندگی‌هایشان یافتن یار موافق نیست، استعانت از پروردگار و عیسی مسیح است برای کسب قدرت مضاعف تحمل رنج‌ها و مصائب. باتوجه‌به معنی لغوی، ریشه‌ی فرهنگی و غرض نویسنده از انتخاب این عنوان، اسم خاص فرض کردن «میس لونلی هارتس» به‌سیاق برگردان‌های پیشین و ترجمه‌نکردنش درست به نظر نمی‌رسد؛ خانم سنگ‌صبور، به درک من، معادلی است که تا حدی جمیع اغراض نویسنده را برآورده می‌کند. دوم اینکه، ارجاعات کتاب مقدسی قصه فراوان‌اند؛ یکی دو مورد مبهم مناقشه‌برانگیز هم هست. به‌نظرم رسید شاید بد نباشد به‌جای تحلیل و تفسیرهای طولانی ابتدا و انتهای رمان‌ها که معمولاً خواننده‌نخوانده‌رها می‌شوند، همه‌شان را در قالب پانویست‌های مختصری توضیح بدهم تا خواننده‌ی به‌دور از بافت فرهنگی و ربانی قصه، ضمن پیگیری روایت، به دانش پایه‌ی خواننده‌ی هم‌زبان و هم‌فرهنگ نویسنده نزدیک‌تر شود و لذت کامل‌تری ببرد.